

# ویرانه های زیبا

تقدیر ساختار سفرنامه بسوی اصفهان اثر سیر لوتی

سعید هراسانی

[Saeid.harasani@yahoo.com](mailto:Saeid.harasani@yahoo.com)

لوتی، سیر (۱۳۲۶). بسوی اصفهان. بدرالدین کتابی. اصفهان. انتشارات نقش جهان. ۲۵۶ صفحه

استاد دکتر جوادی یگانه

بهار یک هزار و سیصد و نود و دو

Pierrick Lotij  
سعید هراسانی

## ۱ مقدمه

بی گمان زمانی که از شرق شناسی یاد می کنیم، ادوارد سعید را نیز باید به خاطر آورد؛ مفهومی که او ابداع کرد، و هم او نیز آن را نقد کرد. شرق شناسی از آن رو اهمیت دارد که ما شرق را از نگاه دیگر "غربی" شناخته، و هویتی را که دیگری "مدرن" و "متمدن"! به شرق داده را بازشناسی و در صورت لزوم برساختی جدید و حقیقی به آن می دهیم.

زمانی که لزوم بازیابی هویت شرقی توسط اندیشمندان شرق برای نیل به یک هویت مستقل از غرب برتر بروز پیدا کرد، گام برداشتن در جهت یک شناخت شرق شناسانه از خود شرقی، به خصوص ایران امری بدیهی به نظر می رسید؛ «در این مسیر، هر نوشته ای از شرق، نقشی است، اما سفرنامه ها در شکل گیری تصور از شرق نقش اساسی ایفا کردند» (جوادی یگانه، ۱۳۹۱) و نقش این سفرنامه ها در شکل دهی و سامان دهی به یک تصور شرق شناسانه در باره ایران نقشی اساسی تر و یا به عبارتی، از همین سفرنامه ها آغاز شده است. (همان)

اهمیت این متون از آن جهت است که به خصوص در قرون اخیر، تنها این سفرنامه ها بودند که دیدی تقریباً کامل و روشن از شرق و به خصوص ایران ارایه می دادند. بخصوص ایرانی که تا همین اواخر، آن را با کشور های عربی به لحاظ دین اسلام در یک کاسه قرار می دادند.

همچنین سفرنامه ها به لحاظ دست نخورده بودن و ارایه اطلاعات ناب و واقعی – هر چند در برخی موارد جهت دارانه – و داده های دست اول، از منابع خالص و قابل اعتنا شرق شناسی و ایران شناسی بحساب می آمد.

برای درک بهتر موضوع می توان این چنین ادامه داد که غربیان قبل از شروع نهضت سفرنامه در ایران، به دلیل خواندن تورات و اناجیل تصویری باشکوه و دلفریب از ایران داشته، و به دلیل جنگ های ایران و یونان و بعد از اسلام، جنگ های صلیبی تصویری دلهره آور و هراس انگیز از آن متصور بودند؛ اما با شروع سیاحت ها تصویری از ایران به عنوان سرزمینی کهن، با اندیشه عقلایی و انسانی سر بر می آورد. (فروغی، ۱۳۸۱: ۲) اما از طرفی دیگر سیاحان روسی سعی در تحقیر آداب و رسوم ایرانی و به خصوص اسلامی داشته و سعی می کنند با ترسیم عقب ماندگی های یک جامعه اسلامی، خود را در مقام یک دولت اروپایی قرار دهند که برای رفع دشواری ها و فلاکت این مردم دارای رسالت نجات بخشی است. (اسدی کیا، ۱۳۸۹: ۳)

هر آنچه گفته شد تنها یک روی یک سکه بود؛ همانگونه که ادوارد سعید میگوید، آنچه اهمیت دارد تبدیل این منابع دست اول به تعاریف و تبیینات غیر شخصی است. چرا که گاهی موارد این سفرنامه ها مجموعه

بی ارزشی از یک رشته مسافرت هاست و در اکثر موارد یک تصدیق و شهادت شخصی. (جوادی یگانه، ۱۳۹۱) و در صورتی که این منابع، تحلیل و تبیین نشود ارزشی به لحاظ شرق شناسانه نخواهد داشت.

تصدیق، تحلیل و تبیین این سفرنامه ها به طریق علمی نیازمند لوازمی است، و از آن جمله درک نحوه شکل گیری فهم سفرنامه نویس از کشور موضوع است. اهمیت این موضوع برای تعیین این نکته که اثر وی اهمیت شرق شناسانه دارد و یا خیر لازم به توضیح نبوده و بر هر خواننده ای روشن است.

## ۲ بحث نظری

### ۲.۱ شرق شناسی و اهمیت آن

شرق شناسی بنا به نوشته معروف ادوارد سعید، دانشی است که طی آن، شرق به صورت یک موضوع مطالعه برای غرب درآمد. (جوادی یگانه، ۱۳۹۱) بر اساس این نظریه، هر دانشی دارای بار های جامعه شناختی و سیاسی است و به صورت اجتناب ناپذیر با قدرت در آمیخته است که با هدف تحت انقیاد در آوردن شرق مورد بهره برداری قرار می گیرد. (اسدی کیا، ۱۳۸۹: ۱۴)

این مفهوم در شرق شناسی ادوارد سعید به سال ۱۹۷۹ میلادی بیان گردید و در آن « هویت " خود غربی" در کنار دیگر " شرقی" دیده می شود، شرق متفاوت و در نتیجه "پست تر" از "خود" غربی قرار داده می شود. جهان به "ما" در برابر "آنها" و به قولی تمدن در برابر بربریت، نیک در برابر بد، عقل در برابر احساس و ... تقسیم می شود. شرق تا حد یک موضوع ایستا و ضعیف فروکاسته شده که برای ورود به جامعه متمدن باید هدف مطالعه و بررسی غرب پیشرفته قرار می گیرد.» (همان: ۱۴)

با وجود این نگاه سیاه به شرق شناسی، اگر آن را اینگونه تعریف کنیم که: «شرق شناسی را باید روش نوشتن، دیدن، و مطالعه انتظام یافته به حساب آورد» که «از طریق یک سلسله کارگزاران علمی، از صورت یک تصدیق و شهادت شخصی و بعضی از مواقع، مجموعه بی ارزشی از یک رشته مسافرت ها، و اقدامات دلیرانه در شرق، به تعاریف و تبیینات غیر شخصی تبدیل می شود.» (جوادی یگانه، ۱۳۹۱) می توان جایگاه قابل ملاحظه ای برای آن قایل شد تا از طریق شناخت شرق به صورت علمی، راه را برای توسعه شرق و به صورت خاص ایران، فراهم نمود.

یک تبیین شرق شناسانه از تاریخ اجتماعی ایران، و درک مفاهیم کلی و فرهنگ غیر دیداری جامعه ایرانی، نه تنها راهگشای آینده جامعه ایران می باشد، بلکه با مقوله بندی و تعیین و تبیین داده های اساسی فرهنگ ایرانی، در شناخت محور های جامعه ایرانی، جامعه شناسی ایران را پویاتر و غنی تر کرده و با تعریف و تدوین نظریات کاربردی، یک جامعه شناسی اسلامی، ایرانی کاربردی را پدید آورد.

### ۲.۲ شرق شناسی و سفرنامه ها

یکی از منابع شناختی برای نیل به این دید شرق شناسانه، سفرنامه ها می باشد؛ «این سفرنامه ها اطلاعات گرانبهایی را درباره جنبه های گوناگون زندگی ایرانی ها در قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم ارائه می

دهند. این اطلاعات شامل توصیف شهر ها و خانه ها، زندگی روزمره و رسوم گروه های مختلف اجتماعی، مذهبی، و قبیله ای، روابط خانوادگی و جایگاه زنان و اسلام شیعی و مناسک آن می باشد.» (اسدی کیا، ۱۳۸۹: ۴)

«آغاز این شناخت به سال های ۱۶۶۰-۱۶۷۰ بر می گردد که طی آن انتشار سفرنامه های مربوط به ایران یکی از شکوفا ترین دوران خود را می گذراند و به طور متوسط بیست و پنج سفرنامه طی این دهه درباره ایران نوشته می شود.» (فروغی، ۱۳۸۱: ۱۱)

با توجه به شکل گیری ذهنیتی از ایران که در آن تصویری هراس انگیز از ایرانی، برای اروپاییان ساخته بودند و این تصویر از قبل جنگ های صلیبی به وجود آمده بود و بنا بر این جریانی متعصب و متخاصم با اسلام و تمدن ایرانی بود، اذهان و اندیشه های عمیق و تیزبین قادر بودند تا ایران واقعی، ایرانی پرجاذبه و دلفریب را با خواندن همین سفرنامه ها مشاهده نمایند. آنچه باعث شد تا اندیشمندان بزرگمنش و حقیقت جویان غربی به یک شناخت واقعی و حقیقی در رابطه با ایران برسند انتشار همین سفرنامه ها و متون تبعی آن بود؛ چرا که این آثار، برای اولین بار ایرانی باستانی و ایرانی مدرن را بر اساس مستندات عینی توصیف می کرد. (همان: ۱۱)

دلیل علاقه سیاحان برای سفر به ایران را در گفته ژان ته ونو می توان خلاصه کرد، که در مقدمه سفرنامه خود می گوید:

برای برخی سیاحان "فقط کنجاوی و میل به دانستن است" که آنها را به سوی ایران می کشاند؛ و برای برخی دیگر "تجارت و کار". همچنین، در طول قرن هفدهم، میل به یادگیری زبان فارسی و کنجاوی های گوناگون، به انگیزه تبلیغات مذهبی و تجارت افزوده میگردد. (فروغی، ۱۳۸۱: ۱۲)

دیگر عاملی که می توان به عنوان یکی از عوامل بسیار موثر در جذب این سیاحان دانست، مهمان نوازی پرظرافت ایرانیان می باشد. نوری در کارنوشت خود، مورد سفرنامه دوران را تحلیل می کند و در آن بر خورد ایرانیان با اروپاییان را بسیار احترام آمیز و مهمان نوازانه می داند به طوری که می نویسد، حتی غارتگران هم احترام اروپاییان را نگه می دارند و برخورد مناسبی با آنها دارند. (نوری، ۱۳۹۰: ۸)

شاردن نیز در سفرنامه خود می نویسد:

آنچه را که من در زندگی ایرانیان فوق العاده ستایش می کنم، مهمان نوازی آنها است. هنگام غذا خوردن، نه تنها در خانه را نمی بندند، بلکه تمام افرادی را که حضور دارند یا موقع غذا فرا می رسند، و حتی نوکرانی که جلو درب خانه از اسب ها مراقبت می کنند، اطعام می شوند. (فروغی، ۱۳۸۱: ۱۴)

موفقیت سفرنامه های سیاحان به ایران آمده توسط سه عامل دیگر در قرن هجده تشدید شده و حجم گسترده تری به خود می گیرد؛ این سه عامل عبارتند از:

۱. انتشار ترجمه هزار و یک شب در ۱۷۰۴ توسط گالان؛
۲. خبر پر آوازه سفر سفیر ایران، محمد رضا بیگ، به دربار لویی چهاردهم در ۱۷۱۵؛
۳. موفقیت ادبی بزرگ انتشار نامه های ایرانی توسط منتسکیو در ۱۷۲۱. (همان: ۱۵)

این سفرنامه ها و داده های آن، به عنوان موثق ترین منبع اطلاعاتی، اولین تاثیر و بازتاب خود را در خلق آثار ادبی فرانسه نشان داد، و ایران از نظر تاریخی و فلسفی در خط مقدم خاور در جهت بیداری ذهن و اندیشه غربی قرار گرفت. (همان: ۱۳- ۲۳)

این سفرنامه ها علاوه بر تاثیر عمیقی که بر شناخت ما از ایران با نگاه شرق گرایانه داشت و مورد توجه اندیشمندان بود؛ جذابیت های خاص خود را نیز برای عوام داشت و این از آن جهت بود که نویسندگان خواننده را به دنیایی دیگر برده و گویا وی همراه خیالی نویسنده بوده و او را در طی تجربه های غریب همراهی نموده و اطلاعاتی تازه و سرگرم کننده در اختیار وی قرار می داد. (اسدی کیا، ۱۳۸۹: ۴)

### ۲,۳ قاجار شناسی و سفرنامه ها

تمام آنچه را که در بالا گفته شد مبحثی کلی در رابطه با تاثیر سفرنامه ها بر روی علم شرق شناسی بود. آنچه که در ادامه به آن پرداخته میشود، تاثیر سفرنامه های دوره قاجار بر شناخت ما از آن دوران است.

متاستفانه اطلاعات ما در رابطه با دوره قاجار بسیار محدود و مورد غفلت واقع شده و ماحصل این تاریخ مجهول بدفهمی ما از این دوره تاریخی شده و بنابراین بدست آوردن هرگونه اطلاعاتی در رابطه با این دوران اهمیت یافته و ارزشمند تلقی می شود. سفرنامه ها به دلیل ماهیت خود و اطلاعات جامعی که در اختیار ما قرار می دهند از منابع مهم فهم این دوران به حساب می آیند. نکته مهم دیگر این است که باز شناسی تاریخ قاجار به همین سه، چهار دهه اخیر محدود می گردد و به دلیل وجود مجهولات و ابهامات فراوانی که در مورد این برهه از زمان وجود دارد، سفرنامه ها به عنوان منابعی دست اول و منحصر به فرد در باره این دوران، تا حدودی این نادانسته ها را برطرف میکنند.

یکی از نقاط عطف سفرنامه ها در شناخت تاریخ قاجار، این نکته است که آنها بر خلاف کتاب های تاریخی که به طور عمده به وقایع مربوط زندگی پادشاهان و بزرگان یک سلسله و جنگ های آن می پردازد، حاوی مطالب ارزشمندی در رابطه با تاریخ اجتماعی و فرهنگی مردم عادی و جامعه رعیت است و به قول راشودون پازل ایران در دوره قاجار را کامل می کند. (همان: ۷۶)

### ۲,۴ شرق شناسی و سفرنامه لوتی

مورد خاص سفرنامه لوتی، در کامل کردن این پازل می تواند نقش قابل توجه ای داشته باشد. لوتی به عنوان شخصی که بیشتر از آنکه شهرتش به خاطر ادیب بودن و یا نظامی بودن باشد، از لقب جهانگرد بودنش در این امر بهره برده و این نقطه عطف که وی به سرتاسر جهان سفر نموده و با هر فرهنگی آشنا شده، به سفرنامه اش عمق بخشیده و ارزش کتابش را به غایت بالا می برد؛ وی در کتابش می آورد:

... طلبها و بوق های بزرگ که نظیر آنها در هندوستان دیده می شود بصدا در می آید، از هزاران سال پیش این رسم بوده است و هنوز هم پابرجاست که هنگام غروب بدین وسیله بخورشید درود

می فرستند ... در ساحل رود گنگ در هندوستان نیز چنین کاری را می کنند ... و نظیر همین صدا دو دفعه در روز در بالای شهر بنارس بلند می شود. (لوتی، ۱۳۲۶: ۱۸۶)

... چنانچه در کشور ما زنگ ساعت های بزرگ وقت را اعلام می دارند، در اصفهان موزن ها با آهنگ بم مخصوص که در هیچ یک از شهر های دیگر اسلامی معمول نیست وقت را می فهمانند. (همان: ۱۹۰)

نکته دیگر در رابطه با سیاحتنامه وی، شیوه نگارش آن می باشد، نثر وی بسیار قابل فهم و سبک می باشد، لوتی محتوا را فدای ظاهر نکرده و هر آنچه را، همانگونه که باید، توصیف کرده است. نثری ساده که سفر را در آن تنها توصیف کرده و از قضاوت بیجا و یا جهتگیری مغرضانه جلوگیری نموده. وی حتی از مقوله بندی و موضوعی کردن سفرنامه چشم پوشی و متن را به صورت یک رمان، اما واقعی نگاشته است. و مسلماً این امر بر روایی و اعتبار داده های سفرنامه افزوده، و منبع فهم خالص تری ارایه می دهد.

### ۳ نقد ساختار سفرنامه بسوی اصفهان

پیر لوتی Pierre Loti با نام اصلی ژولین ویوا Julien Viaud متولد سال ۱۸۵۰ میلادی تحصیلات دانشگاهی خود را در نیروی دریایی فرانسه گذراند، البته وی به دلیل توانایی زیاد خویش در ادبیات بعد ها به عضویت فرهنگستان فرانسه در آمد. (en.wikipedia)

سفرنامه وی بر اساس تنها سفرش به ایران در سن ۵۱ سالگی نگارش یافته است؛ نثر این سفرنامه بسیار ساده و کشنده می باشد و از آنجا که متن سفرنامه بر اساس سیر سفر نگارش یافته خواننده احساس میکند خود در این سفر سیاح را همراهی میکند.

نکته مهم در رابطه با لوتی این می باشد که وی بیشتر به عنوان یک جهانگرد شناخته میشود و بنا بر این سفرهای وی به اقصا نقاط دنیا و مقایسه فرهنگ ها با یکدیگر و لحاظ آن در اثر خود، اهمیت این سفرنامه را از نظر شرق شناسی دو چندان می نماید. سفر به کشور هایی مثل هند، ترکیه، آفریقا، فلسطین، مراکش و ...

سفر وی به ایران تنها جنبه گردشگری داشته و رابط هند و روسیه با یکدیگر در سفر بود، اما این به معنی اهمیت کم ایران برای لوتی نبوده و از ارادت وی به ایران نمی کاست. سفر وی به هند به این دلیل بود که وی از سوی وزارت برون مرزی فرانسه مأمور شده بود تا به هند سفر کند و مراتب دوستی فرانسه را به آگاهی مهاراجه هند برساند.

نویسنده در کتاب خود به اطلاعاتی اشاره میکند که منبع اطلاع خود را روشن نمی سازد، اما نکته مهم این است که وی اطلاعات موثقی از ایران قبل از ورود به آن داشته که البته در اکثر موارد به دلیل بدون مرجع بودن اطلاعات فهم این که علم وی در هنگام سفر شکل گرفته یا قبل از آن مشکل است؛ سخنانی مثل:

همانطور که شیراز شهر کریمخان بود اصفهان را نیز باید شهر شاه عباس دانست، بهمان آسانی که همیشه پادشاهان ایران میتوانسته اند تغییر پایتخت دهند این شاهزاده بزرگ در سال ۱۰۶۵ میلادی دربار خود را در اصفهان مستقر ساخته و این شهر کهنه را که در اثر عبور وحشتناک تیمور نابود شده بودطوری آباد سازد که دنیا را به تحسن و تعجب وا دارد. (ص ۱۷۰)

این خرابه ها قسمت بزرگ اصفهان است که از زمان حمله افغان یعنی هجوم وحشتناک بزرگی که به وسیله محمود افغانی تقریباً دو بیست سال پیش این شهر را مورد تاخت و تاز قرار داده ویران گردیده است. (ص ۱۷۶)

... نوار های قرمز برای زینت کردن یال چهار اسب خود بیرون می آورد، این عمل پس از مراجعت از سف های دراز و بدون خطر و حادثه هنگام ورود به شهر معمول است. (ص ۲۲۷)

... شهر بزرگ کاشان که زبیده زن هارون الرشید آن را بنا کرده میرسیم... (ص ۲۱۲)

البته در برخی از متن خود به منابع فهمی اشاره میکند، مثلاً:

در آخر باغ قصر کوچکی شبیه به آنچه در افسانه های هزار و یک شب ذکر شده وجود دارد. (ص ۱۶۳)

و ناچار انبار شراب معروفی که شاردن در قرن ۱۷ شرح آن را نوشته و آن را پر از ساغر ها و تنگ های بلور و ظرف هایی از سنگ سماق و سنگ یشم و سنگ های قیمتی نشان داده نیز در همین قسمت واقع بوده. (ص ۱۹۰)

لاکن لازم به ذکر است که این منابع درک از ایران - حداقل نقل شده در متن سفرنامه - به همین دو محدود میشود ولی همانگونه که در بالا گفته شد به دلیل اطلاعات وسیع نویسنده، مطالعات وی در رابطه با ایران به این دو ختم نمی شود.

لوتی به وضوح در جایی ذکر ننموده که زبان فارسی را قبل از ورود به ایران فرا گرفته یا در حین سفر، حتی به خود این مهم که زبان فارسی را میدانسته یا نه اشاره ننموده اما بدون شک وی به زبان فارسی تسلط حد اقلی داشته چرا که یکی از تفریحات وی در طول سفر قلیان کشیدن و هم صحبت شدن با مردم محلی بوده به طوری که وقتی در اصفهان برای دلایل امنیتی مجبور به استفاده از محافظ میشود اینگونه می نویسد:

همانطور که در شیراز عادت شده بود برای من بسیار طبیعی است که در نزد این مردم آرامی که همه گلی در دست دارند بنشینم ولی محافظین من مزاحم هستند و ظاهراً این کارمانند شیراز انجام نخواهد شد.

زیرا به طوری که معلوم است چاهی که برای من خواهند آورد با کمال اکراه می آورند و از آوردن قلیان هم خودداری میکنند. (ص ۱۷۱)

همچنین وی در هیچ جای سفرنامه خویش از مترجم سخن به میان نمی آورد، و نیز معاملات خود را به تنهایی انجام می داد. این در حالی است که وی به زبان ترکی نیز مسلط بوده. (ص ۶۴)

از طریقه نگارش سفرنامه، این گونه بر می آید که متن آن به صورت یادداشت روزانه نگارش یافته و در پایان سفر ویرایش گردیده. این مطلب از آنجا نشأت می گیرد که متن سفرنامه به روزها تقسیم شده و هر واقعه در همان تاریخ ذکر میشود که نشان از وجود یادداشت ها برای نگارش متن سفرنامه است. با توجه به آنچه گفته شد متن سفرنامه موضوعی نبوده و بر اساس سیر سفر می باشد که خود این موضوع متن را جذاب تر میکند.

متن سفرنامه ۲۵۶ صفحه می باشد که وقایع در آن به صورت مساوی نگاشته شده است اما برخی روزها طولانی تر از سایر روزها می باشد و دلیل آن نیز واضح است؛ مثلاً برای توصیف عاشورا ده صفحه (ص ۱۴۲) و یا میدان شاه (میدان امام خمینی) نیز ده صفحه (ص ۱۶۷) اختصاص می دهد؛ این در حالی است که روز سی و یک مه را در چهار سطر خلاصه میکند. (ص ۲۴۴) اما به صورت کلی متن سفرنامه قبل از رسیدن به اصفهان مفصل تر و بعد از آن خلاصه وار بیان شده به طوری که ۲۰۰ صفحه از سفرنامه تا خروج از اصفهان که حدود یک ماه است اختصاص یافته و برای هجده روز بعد از اصفهان تنها ۵۰ صفحه اختصاص داده است.

لحظه ورود لوتی به بوشهر برای وی چنان که باید خوشایند نبود، چنانچه خود وی می گوید:

هنگام ورود به خاک ایران از ما باخسونت پذیرایی شد، چون در بمبئی مرض طاعون شیوع داشت و ما نیز از آنجا می آمدیم، شش روز باید قرنطینه باشیم و برای این منظور موظف بودیم خادم فرانسوی من و خودم تنها در یک جزیره کوچک باطلاقی بمانیم، هر روز عصر مقدار کمی خوراک که فقط برای زنده ماندن کافی بود ... برای ما می آوردند...ظهر ها حرارت آفتاب و خرمگس ها ما را اذیت میکردند و شب ها حشرات موزی...

این ناحیه (بوشهر) را باید شهر اندوه و مرگ نامید، ساختمان های این شهر غیر معمور و آسمانش مرگبار است. (ص ۷)

با وجود ورود سخت پیر به ایران نگاه او به این سرزمین سراسر تضاد و تنقض میباشد؛ نگاه به ایرانی با عظمت و در عین حال ویران! نظاره به تاریخی باشکوه که در گرداب فقر و بدبختی گرفتار آمده، و برای نشان دادن این حس کنار هم قرار دادن درآمد و پایان سفرنامه در کنار یکدیگر کفایت میکند:



کیست با من بیاید و در جلگه اصفهان ... این شهر کهن سال را که مجموعه ای از خرابه های اسرار آمیز است با گنبد ها و منار های آبی و مینا رنگ تماشا کند.

... یا در برابر باد های خشن و سرد فلات های بسیار بلند یعنی دشت های آسیا که از تمام زمین های جهان بلند تر و وسیع ترند و در روزگار دیرین مهد تمدن بوده ولی اکنون بیابان هایی بیش نیست آماده سازد.

... و خود را آماده سازد که روزهای بسیار تنها و با زندگی یکنواخت در بیابان های بی پایان که پیوسته بجای آب سراب ها از دور پیداست به سر برد. (ص ۶۵ و ۶۶)

... در میان چیز های عجیبی که در این کشور دیدم یک چیز بیش از همه در خاطر ما باقی خواهد ماند، و آن عبارت است از شهری خراب که آنجا در محل مرتفعی قرار دارد و پیرامون آن را گل های سفید فرا گرفته اند این شهر را از خاک و مینای آبی رنگ ساخته اند کاشیهای زیبای خورد شده و ریزه های آنها در زیر چنار های سیصد ساله این شهر مانند خاک می ریزد کاخ های زیبای خاتم کاری و کاشی کاری پیوسته خراب میشوند و کسی آنها را تعمیر نمیکند... این شهر که یادبود آن از خاطر ما بیرون نمی رود اصفهان روشن و مرده است. (ص ۲۵۶)

با وجود آنچه در بالا گفته شد یادآوری این نکته را بر خود ضروری می بینم که لوتی در هیچ جای سفرنامه اش قضاوت عجولانه نکرده است و حتی می توان گفت اصلا قضاوتی ننموده است و فرهنگی را تحقیر نکرده تا آنجا که شبیه کردن شاهزادگان ایرانی به غریبان را ننگ آنان دانسته و مینویسد:

اگر قالی های ابریشمی گرانبها روی زمین پهن نبود و کلاه های اشترخانی کوچک که از آخرین آثار لباس شرقی است بر روی پیشانی حاضرین دیده نمی شد، در این مجلس هر کس خیال می کرد در اروپا است. این نوع تقلید از سلیقه اروپایی ها بسیار زشت و خطا است! تقلید از سبک زندگی اروپایی را نزد طوائف هوتانتو و کافر در آفریقا هم دیده ام ولی ایرانیها؛ اعراب هندی ها و حتی ژاپنی ها بسیار اشتباه میکنند بلکه تنزل آنها است که از ما اروپاییها تقلید میکنند، زیرا خودشان میگویند: نیاکان ما در طی قرون بسیار، خیلی پیش از ما دارای انواع هنر های زیبای معماری و ... بوده و طرز لباس و مبل و زینت منزل عالی و مخصوص داشته اند. (ص ۲۳۷)

این نکته از آن جهت اهمیت دارد که نویسنده در طول سفر، نگاهش به ایرانیان تغییر نکرده و آنان را با تصورات خویش بر ساخت ننموده است و ایران و ایرانی را همانگونه که بوده اند پذیرفته؛ هر چند فرهنگ ایرانیان و خود ایران را بارها و بارها با سایر کشور ها مقایسه نموده است.

طبق تاریخ گذاری نویسنده وی روز سه شنبه ۲۷ آوریل از هند و از طریق دریا وارد شهر بوشهر شده و در روز چهارشنبه به تاریخ ۶ ژوئن از بندر انزلی به مقصد باکو از طریق دریا ایران را ترک نمود و مدت حدود دو ماه در ایران بود. (ص ۶ و ۲۵۵) سفر وی در ایران تا اصفهان توسط اسب و قاطر بوده و پس از آن به دلیل وجود راه های مناسب توسط کالسکه چهار اسب صورت گرفته است. (ص ۲۰۵)

لوتی در طول سفر خود در ایران از شهر های بوشهر، (ص ۶) کازرون، (ص ۳۴) شیراز، (ص ۶۵) ایزدخواست، (ص ۱۴۱) قمشه، (ص ۱۴۵) جلفا، (ص ۱۵۸) اصفهان، (ص ۱۶۱) کاشان، (ص ۲۱۴) قم، (ص ۲۲۰) تهران (ص ۲۲۸) و قزوین (ص ۲۴۴) و بندر انزلی (ص ۲۵۴) عبور کرده و آنان را مشاهده نموده، که در طول سفر بغیر از شهر های شیراز، اصفهان و تهران بقیه را در کاروان سرا ها، مهمان خانه ها و یا خانه کرایه محقرانه ای به سر برده. وی در شیراز در منزل ملک التجار ساکن شد که برای وی از طرف شخصی نامعلوم سفارشنامه داشته، (ص ۱۶۴) و در اصفهان در منزل کنسول روس اقامت کرده (ص ۱۶۶) و تهران را در سفارت فرانسه (ص ۲۲۹) تجربه نمود.

بیشترین میزان اقامت وی در شهر های ایران در اصفهان و شیراز بود که هفت روز در هر کدام به سیاحت پرداخت، (ص ۶۵-۱۰۲ و ۱۵۶-۲۰۵) و سپس تهران که پنج روز در آن اقامت داشت. (ص ۲۲۶-۲۴۴)

وی در طول سفرش با اشخاص فراوانی در ایران دیدار داشته که مهمترین آنها ولیعهد و سپس نخست وزیر و همچنین برادر شاه بوده اند و در توصیف هر یک از این سه چنین می نویسد:

(ولیعهد) زبان فرانسه را به آسانی صحبت میکند؛ مدتی در پاریس ساکن و سرگرم بوده؛ و مانند شخص دانشمند و تیزهوشی این قسمت را نقل میکند، بتکامل فنی و هنر های اروپا علاقه من است. صحبت با او آسان ولی با حرارت و علاقه انجام می گیرد.

در مرحله دوم با نخست وزیر ملاقات میکنم او میل دارد فردا نهاری به افتخار من بدهد، در منزل او هم با کمال مهربانی از من پذیرایی می شود. (ص ۷-۲۳۶)

میزبان ما (برادر اعلیحضرت) لباس نظامی پوشیده سبیل های سفید و قیافه دلکش و بزرگ منش دارد و با دستکش سفید به ما دست می هد... گویا این مطلب از آنرو است که نمی خواهد دست مسیحیان به دستش برسد زیرا به طوری که می گویند بر خلاف ظاهر خوشنما و مهربانش فوق العاده تعصب خشونت آمیزی دارد. (ص ۲۳۸)

لوتی علاوه بر سه شخص فوق با افرادی مثل کنسول روس، حاجی عباس ملک التجار شیراز، وزرا دولت قاجار، استاندار فارس، رئیس بانک شاهنشاهی یعنی خانواده وان - ل (ص ۷۶) و ظل السلطان برادر شاه وزیر اصفهان و عراق (ص ۱۸۷) و دیگر اشخاص ملاقات داشته که مدیر حوزه علمیه اصفهان که بنا بر وصف پیر: «آقا لاغر و رنگ پریده لباس سیاه پوشیده و عمامه سیاه بر سردارد» جزء آن می باشد. (ص ۱۸۴)

تنها شخصی که آقای لوتی را در تمام طول سفر همراهی نموده مستخدم فرانسوی وی می باشد و سایر همسفر های او بنا به نیاز سفر تغییر میکرده اند بطوری که از بوشهر تا شیراز با عده ای و از شیراز تا اصفهان عده ای دیگر، اصفهان تا تهران را با یک سورچی و تهران تا انزلی را با سورچی دیگر طی نموده؛ البته همانطور که در قبل گفته شد معاشرت با مردم از تفریحات وی بوده و بغیر از اصفهان که به

دلیل کافر بودنش مورد سوءظن بود - در آن زمان مسیحیان حق سکونت در شهر اصفهان را نداشتند و در جلفا، شهری در یک فرسخی اصفهان زندگی میکردند - از محافظی استفاده نمی نمود. (ص ۱۵۹)

یکی از مشکلات بزرگ این سفرنامه البته به لحاظ شرق شناسانه و علمی، این می باشد که نویسنده در هیچ جای کتاب خود مشخص ننموده که اطلاعات خود را از چه منبعی کسب نموده. این اطلاعات از اشخاص محلی کسب شده و یا از منابع مکتوب استفاده کرده. این ابهام حتی بدان جا میرسد که در برخی موارد شک می کنیم واقعه ای را خود او دیده و یا اینکه برایش توصیف کرده اند. برای مثال:

منار منفردی دیده می شود که اقل شصت متر ارتفاع دارد، این منار بیشتر از برج شهر پیر در ایتالیا خم شده است به طوری که ایجاد وحشت می کند " این منار جایگاه سیاست زن های زنا کار است، فواحش را از بالای آن پرت می کنند؛ و برای اینکه پیش از سقوط بیشتر بترسند، آنها را از طرفی که منار برگشته و کج شده است میافکنند تا فضای خالی زیر پای خود را درست ببینند و بیشتر وحشت کنند. (ص ۲۱۶)

البته نویسنده تنها در چند مکان برای اطلاعات خود مرجع می دهد:

و ناچار انبار شراب معروفی که شاردن در قرن ۱۷ شرح آن را نوشته و آن را پر از ساغر ها و تنگ های بلور و ظرف هایی از سنگ سماق و سنگ یشم و سنگ های قیمتی نشان داده نیز در همین قسمت واقع بوده. (ص ۱۹۰)

... شهر بزرگ کاشان که زبیده زن هارون الرشید آن را بنا کرده میرسیم، ما اروپاییان این شهر را در اثر خواندن حکایات هزار و یک شب می شناسیم. (ص ۲۱۲)

این حیوانات را شکار نمی کنند، مخصوصا هدهد های این بیشه خیلی مقدس و محترم هستند زیرا مشهور است (در بین عوام) که روح یکی از شاهزاده خانم های افسانه مدت زیادی در تن یکی از اینها جای گرفته و شاید هنوز هم در بدن آن حیوان باش؛ ولی در این موضوع پیش از این هم چیزی اظهار نمی شود. (ص ۲۴۰)

... من به دنبال بنایی قدیمی تر و عجیب تر از همه می گشتم که زردشتیان هند بمن معرفی کره و میگفتند این بنا همیشه باقی است... (ص ۱۲۲)

آنگونه که از متن بر می آید، پیر سعی بر تعمیم اطلاعات خود به کل ایران نداشته و اکثرا از تعمیم بیجا خودداری میکند بغیر از برخی موارد که مثلا وقتی به شهر کاشان میرسد در توصیف اولیه آن اینگونه می آورد: «... شهر که منظره آن از خارج در نخستین دفعه بسیار زیبا به نظر می رسید، ولی دیگر فریب ظاهر آن را نمی خوریم، مانند سایر جاهای ایران توده های خرابی بیش نیست.» (ص ۲۱۵)

و یا حتی در اندک مواردی که دست به قضاوت زده اولاً در پایان سفرش بوده و ثانياً باز هم کل ایرانیان را در یک کاسه نیاورده بطوری که برای توصیف مردم شمال ایران می نویسد :

باین ترتیب معلوم می شود مسافرت در بیابان جنوب که همه می گویند خطرناک است بازچه بیش نبوده و رنج های ناهنجاری در این جاده معمولی تهران که همه مردم از آن باسانی می گذرند در انتظار من بوده است - در اینجا ایرانی ها در اثر معاشرت با اروپایی ها بیشترم و شرابخوار و دزد شده اند. (ص ۲۵۱)

و همچنین در صفحه ۲۴۳ سفرنامه خود در مقایسه تهران و اصفهان شرح زیر را می نویسد:

**میان تهران و اصفهان** گرچه از حیث مکان قریب صد فرسخ فاصله است که منزل به منزل آن را پیموده ایم ولی از لحاظ زمان این دو شهر اقلا سه قرن اختلاف دارند درست سه قرنی که انسان در طی آنها راه تکامل می پیماید.

و در اصفهان در جهت توصیف میدان شاه (میدان امام خمینی) می نویسد:

ایرانی ها با عدم مواظبتی که **مخصوص شرقی هاست** به خرابیهای میدان شاه توجه نمی کنند، وقت و پول لازم برای تعمیر در اختیار مردم نیست و صنعت کاشیکاری مدتی است از بین رفته و فراموش شده و بنا براین این میدان که در دنیا نظیر ندارد و سیصد سال از عمرش می گذرد تا آخر این قرن که تازه آغاز آن است، بر پا نخواهد بود. (ص ۱۷۰)

نکته آخر که از نظر نگارنده یکی از جالب ترین موضوعات سفرنامه است و هر خواننده ای از آن لذت می برد توجه بی حد و حصر لوتی به زنان ایرانی است. وی هر گاه از طرز لباس پوشیدن ایرانیان سخن به میان می آورد از سیاه پوش بودن آنان متعجب و ناراحت می شود. (ص ۱۷۵) و آنان را شبیه به اشباح می داند. (ص ۱۷۵ و ۲۰۹) این سیاه پوش بودن تا آنجا پیش می رود که لوتی به هر قیمتی حاضر به دیدن زنان بدون حجاب است. حتی تا آنجا پیش می رود که دو نفر را به استخدام در می آورد تا به وی کمک کنند از بالای دیوار زنان را بدون حجاب نظاره کند و شیطنت نیز میکند چرا که از اشرافی بودن آن زنان اطمینان کسب می کند. وی ساعت ها به کمین می نشیند تا زنی را بالای پشت بام منزل ببیند ولی نا امید گشته از این که به کمین یک پیرزن نشستاده است. (ص ۱۹۸ و ۵-۹۴ و ۸۰ و ۸۳)

کتاب سیاحتنامه بسوی اصفهان، نوشته پیر لوتی اصلا به زبان فرانسه می باشد (مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی) و علاوه بر فارسی به آلمانی *nac isfahan* و انگلیسی *towards esfahan* نیز ترجمه شده است. (google.books)

این کتاب در ایران نیز حداقل دو بار توسط چاپخانه نقش جهان به سالهای ۱۳۲۶ و ۱۳۳۰ به چپ رسیده و یک بار توسط انتشارات اقبال در ۱۳۷۲ به مقدمه محمد مهریار انتشار یافته است. (fa.wikipedia)

#### ۴ نتیجه گیری

در پایان اگر بخواهیم یک جمع بندی مناسب ارائه دهیم، می توان گفت پیر لوتی به عنوان یک شخص امین سعی بر تفسیر و قضاوت آنچه که دیده ننموده، و تنها آنها را در یک سفرنامه گردآوری نموده، تا خواننده با خواندن آن نمایی از ایران برای خود متصور شده، و در مورد آن قضاوت کند.

هر چند اگر بخواهیم مطالب اثر لوتی را مجزا کنیم، بیشتر آن به توصیف شرایط طبیعی و نحوه شهرسازی و منازل مسکونی اختصاص خواهد یافت، اما می توان مطمئن بود آنچه را که می خوانیم، همانچیزی است که نویسنده دیده و نظر خویش را تا آنجا که ممکن است وارد ننموده.

لوتی در سفرنامه خویش از رفتار مردم، ویژگی های جغرافیایی ایران، پوشش گیاهی مناطق، شیوه شهرسازی و منازل مردم، سنت ها، ابنیه معروف، تاریخ، طرز لباس پوشیدن و ... مردم سخن بمیان آورده و در کنار تمام نواقصی که دارد یک دید جامع نسبت به ایران قاجاری قرن نوزده، به خواننده خود ارائه می دهد.

این سفرنامه به لحاظ غیر مغرضانه بودن، و بی طرف بودن منبع ارزشمندی از لحاظ شرق شناسانه محسوب شده، و می تواند داده های صادقی برای فهم ما از ایران دوران مظفرالدین شاه فراهم نماید. جدا از برخی اطلاعات بی مرجعی که در برخی اوراق این سفرنامه موجود است، می توان به سایر داده های آن اعتماد و به عنوان منبع، از آن استفاده نمود.

وی در طول سفر خویش با هر قشری از مردم ایران برخورد، و با آنان معاشرت نموده، در ویرانه ترین منازل ایرانی گام نهاده، و از عالی ترین قصر ایرانی بازدید به عمل آورده و تخت پادشاهی مظفرالدین شاه را لمس نموده. پیر در سفر خود، با ولیعهد و دو برادر پادشاه ملاقات کرده و در عین حال با بازاریان، طلاب، فقرا، وزرا، اروپاییان مقیم ایران و مردم عامه ملاقات و مراوده داشته و می توان منبع فهم وسیع و گسترده ای برای او متصور شد. نگاه او به ایران در پرده ای از تجمل و بالاتر از رعیت نبوده و سعی کرده تا می تواند خود را به عوام نزدیک و با فرهنگ آنان آشنا گردد.

از تمام آنچه که در بالا گفته شد، می توان در نهایت امین بودن لوتی در انتقال داده ها را تایید؛ و منبع فهم معتبر و قابل قبولی برای شناخت وی از ایران قایل شد. و همچنین سیاحتنامه وی را منبع با ارزش شرق شناسانه جامعه ایرانی عصر قاجار، معرفی نمود.

۱. اسدی کیا، بهناز (۱۳۸۹). معرفی و نقد کتاب: *ایران و روسیه در بازی بزرگ، سفرنامه ها و شرق شناسی*. تهران. فصلنامه سیاست، دوره ۴۰، شماره ۲؛
۲. جوادی یگانه، محمد رضا (۱۳۹۱). *طرح کارنوشت دانشجویی برای درس مبانی تاریخ اجتماعی ایران*. تهران؛
۳. فروغی، حسن (۱۳۸۱). *تاثیر سفرنامه های فرانسوی مربوط به ایران بر ذهنیت خوانندگان در قرن هجدهم*. تهران. پژوهش زبان های خارجه، شماره ۱۳.
۴. لوتی، پیر (۱۳۲۶). *بسوی اصفهان*. بدرالدین کتابی. اصفهان. انتشارات نقش جهان. ۲۵۶ صفحه؛
۵. نوری، فاطمه (۱۳۸۷). *ایران از نگاه دیگری سفرنامه دوراند*. تهران. سایت شخصی جوادی یگانه. (mrjavadi.com).
6. [http://en.wikipedia.org/wiki/Pierre\\_Loti](http://en.wikipedia.org/wiki/Pierre_Loti);
7. [http://fa.wikipedia.org/به\\_سوی\\_اصفهان](http://fa.wikipedia.org/به_سوی_اصفهان)
8. <http://dlib.ical.ir/site/catalogue/924450>;
9. [http://books.google.com/books/about/Nach\\_Isfahan.html?id=O6tOywAACAAJ](http://books.google.com/books/about/Nach_Isfahan.html?id=O6tOywAACAAJ).